

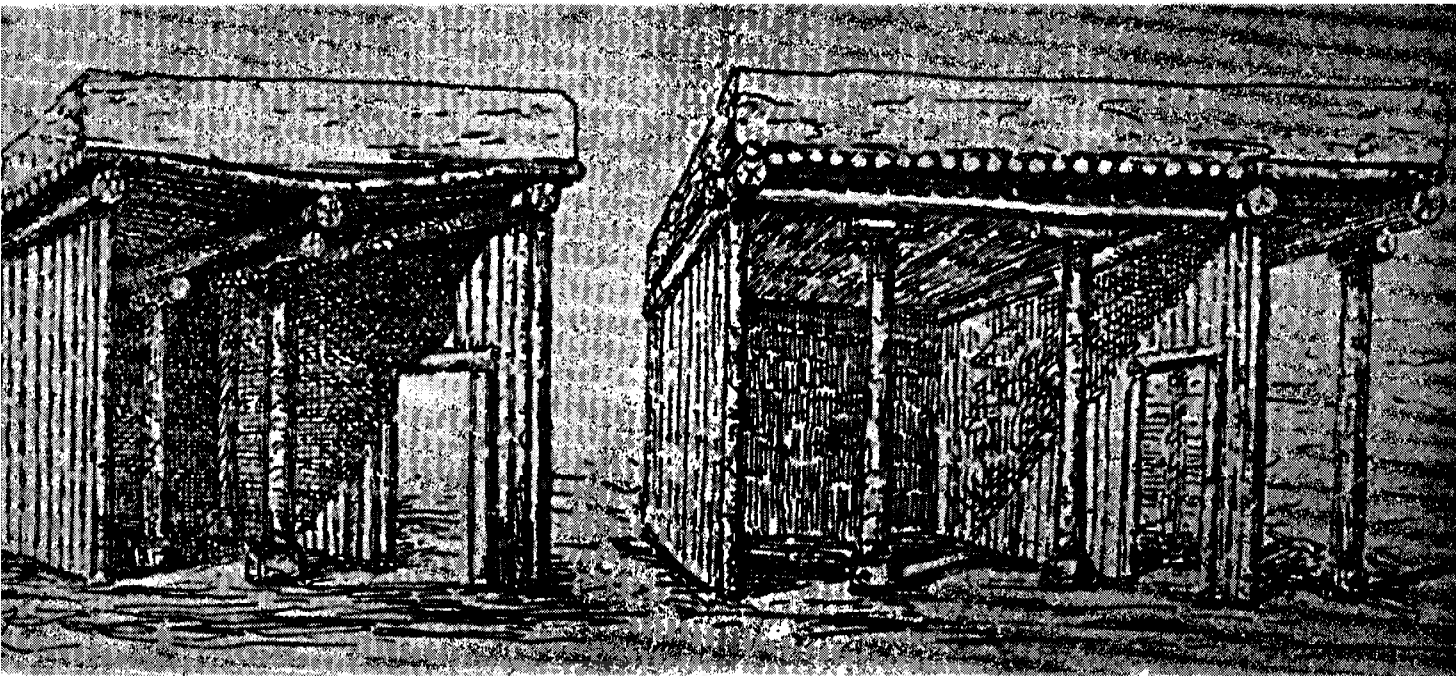
تداوم معماری ایران

اکبر تجویدی

معماری ایران چون بسیاری دیگر از مظاهر فرهنگی ما در طول تاریخ حیات خود از تداوم کم نظیری برخوردار بوده است. البته چنین نیست که قوم ایرانی از آغاز تمدن شهرنشینی خود همواره به ساختن بناهایی کاملاً مشابه هم و بی هیچ تغییری در زمینه طرح و بنیاد پرداخته باشد، بلکه منظور آنست که از هنگامیکه فن ساختمانی پس از طی یک دوره ابتدائی مراحل تکامل خود را پیمود و شیوه خاص خود را پی ریزی کرد دیگر آن خصوصیتی را که معماری سرزمین ما بدانها باز شناخته میشود در طی قرون متمادی هرگز از دست نهد.

هنر هر قوم باز گوکننده نحوه اندیشه و جهان بینی و معتقدات و سنت های آن قوم است. هر چه بنیادهای فرهنگی ملتی استوارتر و ریشه دارتر باشد تجلیات هنری آن ملت هم در طی تاریخ تکامل آن یکنواخت تر و از نوسانات و تحولات و گسستگی ها بیشتر برکنار میباشد. هنر معماری بی شک یکی از بارزترین مظاهر تمدن هر قوم و ملت است و بهترین بازگو کننده نحوه برخورد آن ملت با مسائل مربوط به حیات و پیش وی از جهان خلقت است. همینکه از حدود یک چهار دیواری که سقفی را تحمل میکند و تنها برای پناه دادن انسان از گرما و سرما و باد و باران و برف است فراتر رفتیم و وارد مرحله ای گشتیم که در ساختمانها جز هدفهای ساده اولیه به مسائل دیگری چون تقسیم فضاها بر بنیاد نیازمندیهای گوناگون فردی و اجتماعی و خلق اشکالیکه با ذوق زیبا جوئی ما سروکار دارد پرداختیم و در یک ساختمان بدنبال تحقق هدفهایی بالاتر از مصون بودن از سرما و گرما و دیگر عوامل طبیعت رفتیم آنگاه به دنیای هنر قدم گذاشته ایم و در این گفتار ما از آغاز چنین دورانی در معماری ایران سخن خواهیم داشت. به این ترتیب نهاز شهریکه بوسیله ایرانیان در هزاره دوم پیش از میلاد بر روی بناهای کهن تر در سیکل ساخته شد گفتگو خواهیم کرد نه از ساختمانها و مسکنی که پیش از این تاریخ در مراکزی چون شوش و گیان و حصار و صدها حوزه باستانی دیگر ایران بنیاد گشته است بحث خواهیم نمود. زیرا با آنکه آثار معماری این مناطق

از نظر شناخت و مطالعه باستانشناسی ایران و نمایش قدمت فوق العاده تمدن در کشور ما حائز کمال اهمیت است ولی از آنجا که در این روزگاران معماری ایرانی هنوز مراحل تکامل خود را نپیموده بود و شکل های خاص خود را ابداع نکرده بود نمیتوان بدرستی پیوندهای آنرا با دورانهای شکوفان فرهنگ و تمدن ایرانی که در طی آن شاهکارهای اصیل بوجود آمده است باز یافت. از سوی دیگر آثار ساختمانی دورانهای بسیار کهن ایران بعلاوه فرسایش آنچنان باقی نمانده است که بتوان بخوبی شیوه های ساختمانی آنها را تمیز داد و درباره آن اظهار نظر نمود و اگر بخواهیم در این گفتار وارد مسائلی که خاص باستانشناسان است شویم از هدف اصلی دور خواهیم ماند. کهن ترین نمونه قابل ذکر از میان بناهای باستانی که در کشور ما شناخته شده است معبد عیلامی چغازنبیل واقع در خوزستان است. این پرستشگاه باشکوه که در سیزده قرن پیش از میلاد بنیاد گشته است نمونه بسیار باشکوهی از یک معماری تکامل یافته بشمار میرود. ساختمان این معبد که دارای شکلی چهار گوشه است دارای پنج طبقه است که هر یک از آنها نسبت به بخش زیرین خود کوچکتر ساخته شده است و در نتیجه به ساختمان شکل هرمی داده است. بر روی آخرین طبقه ساختمان مرکز اصلی معبد بنیاد گردیده و دیگر طبقات تأسیسات وابسته بدانرا تشکیل میداده است. مصالح اصلی ساختمانی معبد عبارتست از آجرهای پخته بسیار مرغوب که با ملاحظه محکمی بهم پیوسته شده اند و در درون دیوارها و مواردیکه منظور پر کردن صفه های بنا بوده است از خشت استفاده شده است. آنچه در این بنای باشکوه از نظر بحث ما قابل اهمیت است وجود طاقهای متعدد ضریبی با طرح نیم دایره است که آنچنان با مهارت ساخته شده که پس از گذشت بیش از سه هزار سال هنوز بوضع شگفت انگیزی سالم مانده است. این طاقها که بر روی دالانهای طویل و بر فراز پلکانهای داخلی معبد بنیاد گشته حکایت از پیشرفت فوق العاده فن ساختمان در دورانهائی چنین کهن در کشور ما مینماید. بر رویهم معماری این معبد عظیم که



در مناطقی که باران به اندازه کافی نمی بارد و رویهمرفته در نواحی خشک تر و کم درخت تر که چوب به آسانی بدست نمی آید وضع اقلیمی مردمان را به ابداع طاقهائی که بامصالحی چون خشت و آجر و غیره ساخته میشود سوق داده است و آنان را متوجه ساختن طاقهای ضریبی نموده است. در سرزمین پهناور ایران که مناطق مختلفش دارای تنوع فوق العاده است و دارای سرسبزترین مناطق جهان و در عین حال دارای صحراهای خشک میباشد بنابراین مقتضیات اقلیمی از کهن ترین روزگاران هر دو نوع معماری به موازات هم رواج داشته است.^۳

۱- سید محمدتقی مصطفوی، نگاهی به هنر معماری ایران - تهران ۱۳۴۶ ص ۱۴ - ۱۷.

۲- بعقیده دیولافوا (کتاب نامبرده در یادداشت شماره ۲ مآخذ خارجی) یونانیها شیوه ساختمانی ملک آسیای غربی را از آنان اقتباس کردند و در ساختمانهای خود از آن پیروی نمودند. تنها کاری که ابتکار آنان بود آنکه بجای بکار بردن قشر ضخیم اندود بام که در آن ممالک بصورت افقی بکار میرفت اینان همین قشر را بصورت مشور مثلث القاعده بکار بردند و بدین طریق بام شیروانی مانند با دوشیب را بوجود آوردند.

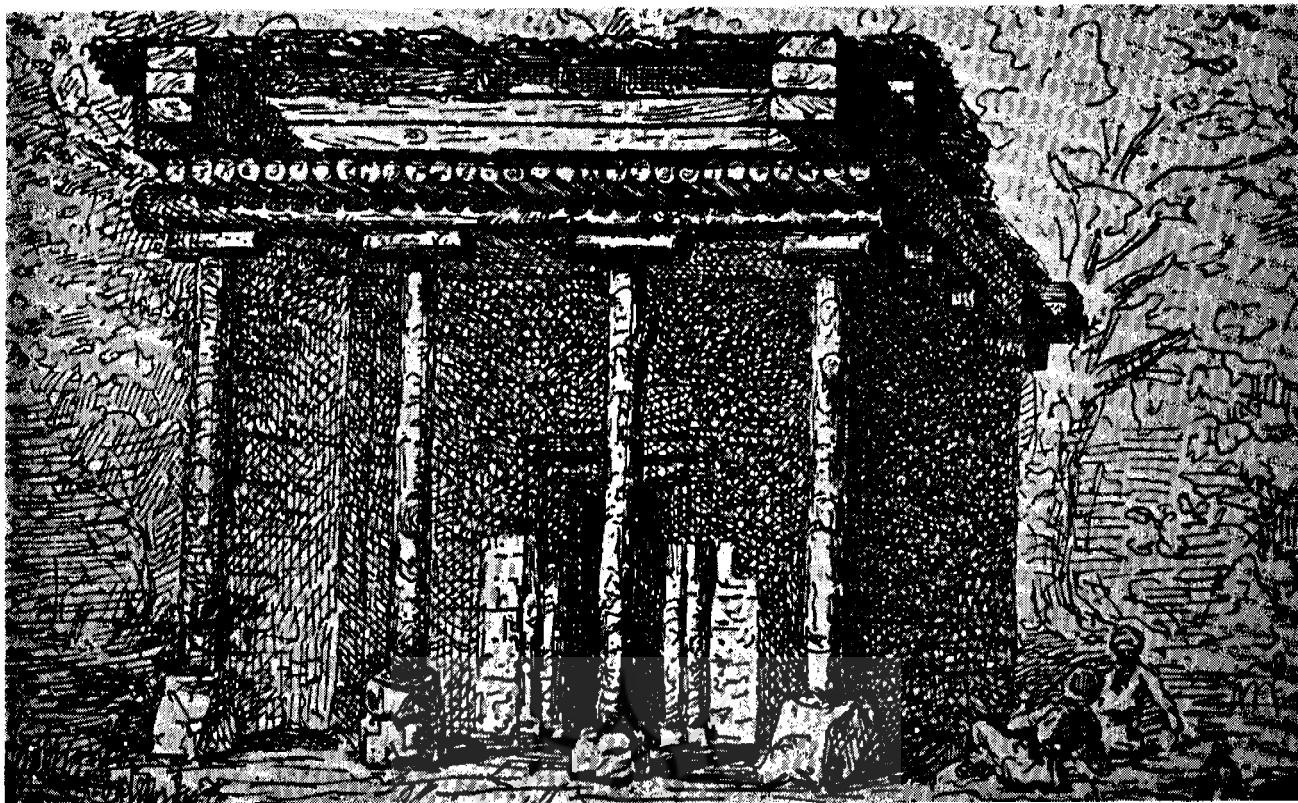
Dieulafoy (M.). — L'art antique de la Perse V. II Paris 1884, PP. 54 - 56.

۳- در این مقاله چون از دورانهای پیش از تاریخ گفتگو نمیشود ناچار از اشاره به ادوار بسیار کهن که در آن از منته بنا بر نظریه عبدای صحراهای لم یزرع کنونی ایران دریاچه مرکزی بزرگی با کرانههای سبز و خرم بوده است خودداری شد.

در شمار بزرگترین زیگورانههای جهان محسوب میگردد بهترین نمونه هنر معماری بر بنیاد طاق قوسی را در دنیای باستان نشان می دهد.

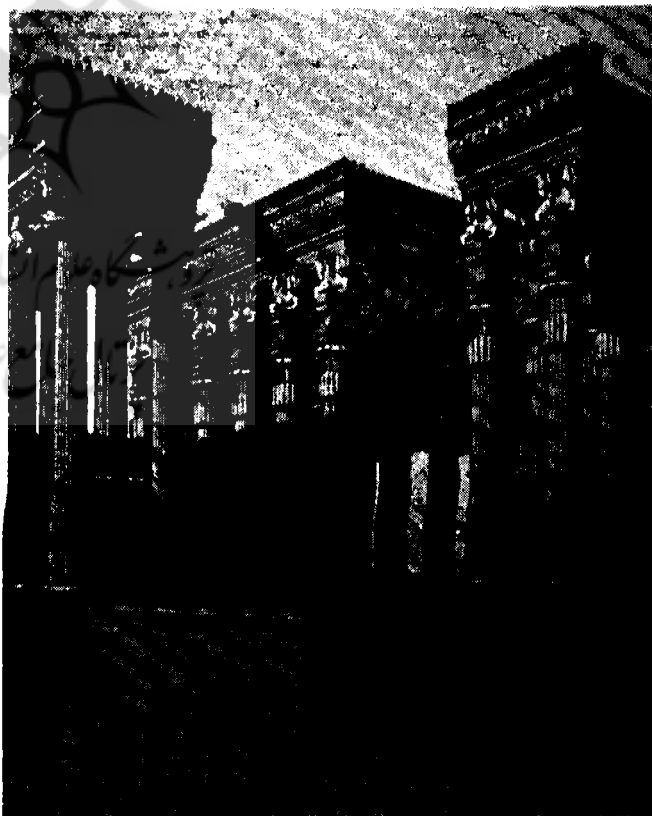
همانطوریکه میدانیم آنچه از نظر فنی اساس ساختمانهای سنتی بشمار می آید و شیوه آنها مشخص می سازد موضوع بر بکار بردن طاق بر روی دیوارها یا عوامل دیگر تحمل کننده بار است که در این میان دیوار و جرز و ستون و غیره اگر فقط برای تحمل وزن سقف ساختمان بوجود نیامده باشد لافل یکی از مهمترین هدف در بکار بردن آنها همان تأمین پایه های طاق میباشد.

از دیرباز انسان برای ایجاد سقف به دو طریق مبادرت کرده است: طاق قوسی که در آن نیازی به بکار بردن چوب نیست و طاق مسطح که در آن از چوب و یاسنگهای تراشیده طویل به شکل الوار استفاده میشود که در این زمینه طاقهائی که خاص ممالک و سرزمینهای پر باران است و دارای دو شیب شیروانی شکل میباشد در زمره طاقهای مسطح محسوب میگردد و در اصول ساختمانی با طاق صاف تفاوت زیاد ندارد. هر یک از این دو طریق یعنی طاق ضریبی و پوشش چوبی در هر منطقه به اقتضای وضع اقلیمی خاص آن ناحیه بوضعی بسیار طبیعی رواج یافته است. بدین معنی که در نواحی نسبتاً سبز و خرم که درختان جنگلی بحد کافی چوب لازم را برای پوشش سقف ساختمانها تأمین میکنند معماری با طاق مسطح اشاعه یافته و گاهی در دیوارهای این بناها هم از چوب استفاده شده است و باینطور کلی مجموعه ساختمان باتیر و الوار بنیاد گردیده است. در مقابل



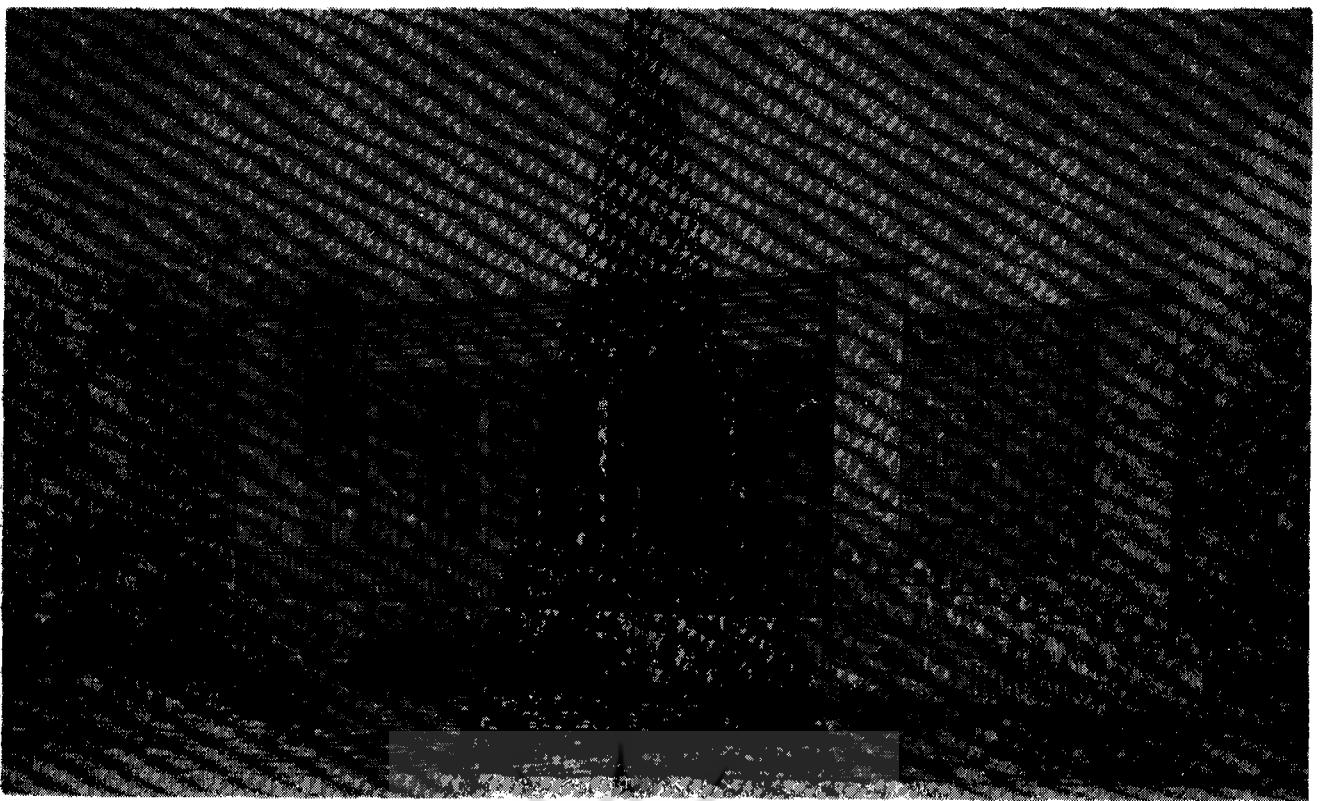
۲

۳



در آغاز درنواحی شمال و شمال غربی کشور ساختن بامهای مسطح و درنواحی مرکزی و جنوب غربی طاقهای ضربی متداول گشته است و بعدها بعلت تأسیس شاهنشاهی های هخامنشی و اشکانی و ساسانی و ایجاد ارتباط مداوم میان تمام مناطق کشور و از همه مهمتر بوجود آمدن يك نیروی عظیم ملی که قادر بوده است هر گونه مصالح ساختمانی لازم را از دورترین نقاط جهان برای مرکز شاهنشاهی تأمین نماید دو شیوه بالا بدون در نظر گرفتن محدودیت های اقلیمی در هر نقطه کشور که لازم بوده است بکار رفته است. بهمین ترتیب است که می بینیم در روزگار شاهنشاهی هخامنشیان بر طبق اسناد کتبی تیرها و الوارهای عظیم طاق کاخهای تخت جمشید را از کوهستان های پردرخت لبنان به مرکز فرهنگی و سیاسی شاهنشاهی ایران حمل نموده اند و در نتیجه موفق شده اند در منطقه ای که در آن روزگار دارای معماری باطاق هلالی بوده است بناهایی به شیوه متداول در شمال و شمال غربی کشور برپا نمایند.

دیولافوا در کتاب مشهور خود (هنر باستانی ایران) ^۴ طریقه تکامل معماری باطاق مسطح و پیدایش ستون را در چنین بناها بایبانی روشن شرح داده است. بعقیده وی از قدیم الايام در



در اختیار داشته‌اند بدانیم .
بکار بردن ستون در معماری ایرانی سابقه‌ای بس کهن دارد و پاره‌ای از باستان‌شناسان با توسل به پایه‌های چندی که در موسیان پیدا شده است عقیده دارند که این عامل از شش هزار سال پیش در ایران شناخته بوده است ولی مهمترین بنائی که تاکنون در ایران شناخته شده است و در آن تالارهای بزرگ ستوندار ایجاد نموده‌اند دژ حسنلو واقع در جنوب دریاچه رضائیه است که در زمره مهمترین آثار ساختمانی ایران باستان بشمار میرود. این بنای عظیم در سده نهم پیش از میلاد برپا گردیده و از نظر اصول معماری و بکار رفتن مصالح ساختمانی متنوع و منطقی در عداد پیشرفته‌ترین معماری‌های آنروزگار محسوب میگردد.^۵ پس از دژ حسنلو برای مطالعه ساختمانهای ستوندار در ایران باید سراغ دخمه‌های کنده شده در کوه که تعدادی از آنها به دوران مادها تعلق دارد برویم . مهمترین این آثار در آذربایجان و فارس قرار دارد و نمای خارجی و طرح داخلی آنها سند معتبری برای شناخت معماری ایرانی در آنروزگار است.^۶

4 - Ibid. P. 46.

۵ - سید محمدتقی مصطفوی ، کتاب نامبرده ص ۱۷ - ۱۹ .

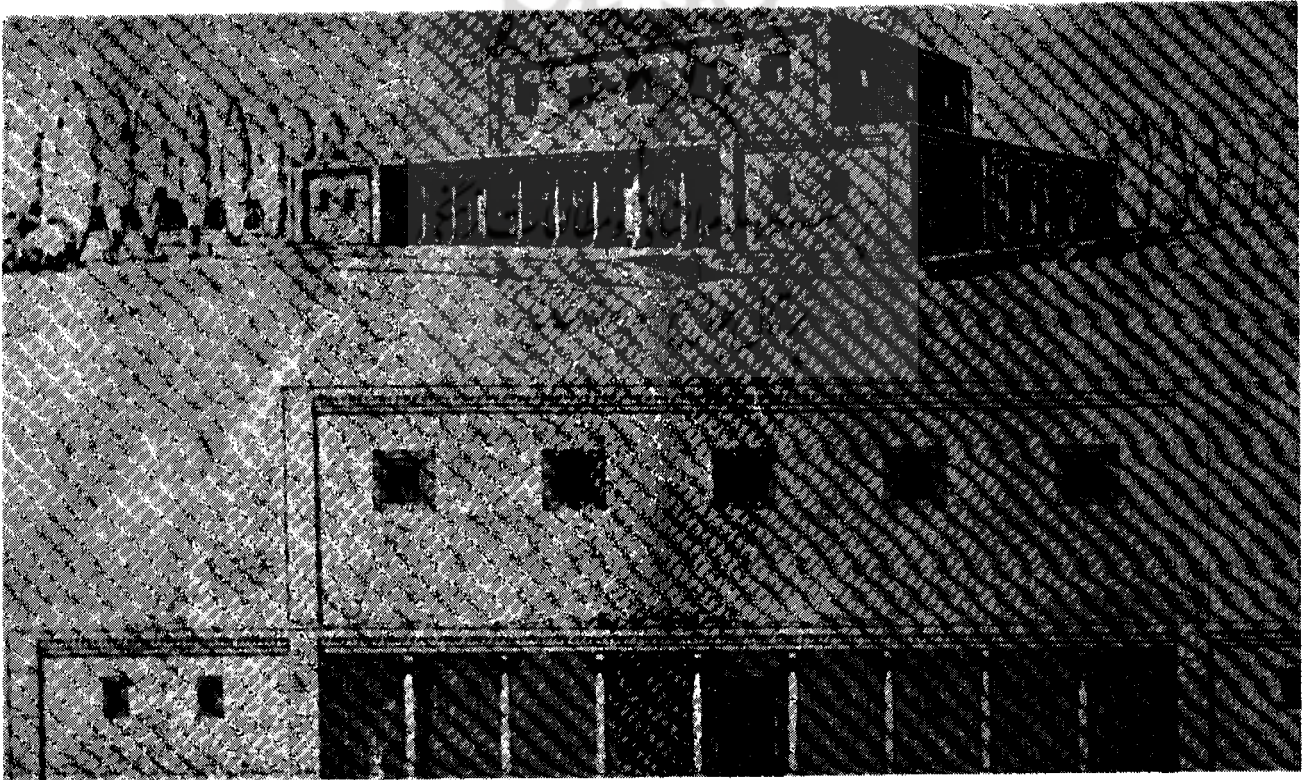
۶ - همان کتاب ص ۱۹ - ۲۲ .

مناطقی که چوب فراوان بوده است سقف ساختمانها را با تیرهای تهیه‌شده از تنه درختان می‌پوشانده‌اند و در دیوارها هم خصوصاً در گوشه‌های آن از همین تیرکها بکار میبرده‌اند . روی چنین سقفی را با تیرکهای نازک‌تر و حتی شاخ و برگ درختان می‌پوشانده‌اند و سپس با قشر ضخیمی از گل آنرا اندود میکرده‌اند. هنگامیکه خانه‌ها وسعت یافت و به ایجاد تالارهای بزرگ نیازمندی پیدا شد متوجه شدند که طاق چوبی ساختمانها در زیر سنگینی بار مصالح بام خمیدگی پیدا میکند و وسط تیرهای سقف بسمت پائین قوس برمیدارد . برای جبران این نقیصه در صدد برآمدند در فاصله بین دیوارها زیر تیرهای سقف ابتدا تیرهای حمالی در جهت عمود بر چوبهای سقف بکار برند و برای نگاهداری این تیرهای حمالی تیرکهای چوبی برپا نمایند تا بدین ترتیب از خمیدگی طاق در بخش‌های میانی آن جلوگیری شود و این اولین گام در راه یافتن ستون و بکار بردن آن در تالارهای بزرگ بود (شکل‌های ۱ و ۲) . میتوان بدون تردید زیاد استدلال این هنرشناس را پذیرفت و بجای آنکه بدنبال مدارک باستانی برای اثبات نظریات گوناگونی که درباره اولین سرزمینهایی که در بکار بردن این عامل در معماری پیشقدم بوده‌اند برویم میتوانیم بطور کلی ستون را يك عامل طبیعی در معماری تمام مناطقی که برای برپا کردن ساختمانهای خود چوب کافی



۵ - تالارها و نقاط مختلف تخت جمشید در زمان آبادانی

۶ - کاخ کوروش در پاسارگاد



آنچه از نظر تاریخ معماری ایران در این دخمه‌ها اهمیت دارد آنست که این آثار با آنکه در سنگ کوه تراشیده شده‌است بارزترین مدرک برای شناخت معماری چوبی در کشور ما محسوب می‌گردد. زیرا با آنکه بناهای چوبی آن زمان تاروزگار ما بجای نمانده‌است ولی تمام ریزه‌کاریهای ساختمانهایی که در آنها از الوارهای تراشیده در چوب و قفل و بست آنها بیکدیگر استفاده می‌شده بدقت در این دخمه‌ها بوسیله تراش در سنگ نمایش داده شده‌است. از آن مهمتر موضوع سرستونهایی است که بویژه بر نمای خارجی دخمه داود دختر واقع در ممسنی بر روی ستونهای تراشیده در صخره باروشنی تمام نمودار گردیده‌است. پرفسور هرتسفلد با توجه به سرستونهایی که بر نمای دخمه بالا و همچنین بر روی مقبره مادی قیزقاپان نموده شده‌است نتیجه‌گیری مینماید که در این قسمت شیوه معماری ایونی که یکی از سه مکتب مهم معماری یونانی است از معماری ایرانی الهام گرفته است.^۷ این مطلب یکی از مهمترین نکات مورد بحث در معماری ایرانی است و باید مورد توجه آنانکه بدون ژرف‌نگری نمایشهای گوناگون همین نوع سرستون را در دوره‌های مختلف تاریخ هنر ایران یکنوع میراث یونانی میدانند قرار گیرد.

به موازات معماری بر بنیاد طاقهای صاف که در آغاز فقط با چوب ساخته میشد و در دوره‌های بعد در مورد ستونها و درگاهها

بخشهای سنگی جای چوب را گرفت ساختن طاقهای ضربی نیز در معماری ایرانی ادامه پیدا کرد و بنا بر مقتضیات اقلیمی و سیاسی هر چند مدت یکبار یکی از دو شیوه بالا رسمیت مییافت بی آنکه شیوه دیگر بکلی رها شود. اگر از نظر شکل ظاهری دو شیوه بالا باهم شباهت زیاد ندارند در مقابل آنچه آنها را بیکدیگر پیوستگی میدهد حجمها و فضاهای ویژه معماری ایرانی است که خواه در معماری با طاق مسطح جلوه کند و یا در ساختمانهای گنبددار و بناهای دارنده طاق ضربی متجلی گردد در هر حال فکر خلافت واحدی در آنها مشاهده میشود. از میان این عوامل که بدون وقفه در تمام دوره‌های معماری ایرانی متداول بوده است باید بویژه از ایوان و رواق و حیاط مرکزی و تقسیمات سه‌بخشی و طاق نما و طاقچه نام برد. همگی این شکلها بی‌کم و کاست در اکثر بناهای رسمی ایران بکار رفته‌است خواه پوشش ساختمان با طاق مسطح باشد، خواه با عوامل قوسی. بطور کلی محیطی که معمار ایرانی برای زندگی خلق نموده

۷- پیش از پرفسور هرتسفلد (کتاب یاد شده در یادداشت شماره ۷ مآخذ خارجی) محققان دیگری هم از مجله فرگوسن (Fergusson) به این نکته توجه نموده بودند و نویسنده اخیر سرستونهای شیوه ایونی را مستقیماً تقلیدی از سرستونهای تخت جمشید معرفی مینماید.

Herzfeld (E.). — Iran in the Ancient East London 1941, P. 210.

۸

۷



در تمام دورانه‌های تاریخ معماری ایران کمتر دچار دگرگونی شده است هر چند نتیجه گیری از این عوامل در ساختمانها با توجه به مصالح ساختمانی بکاررفته و مقتضیات اقلیمی در موارد گوناگون متفاوت باشد.

ادامه ساختن طاقهای هلالی به موازات برپا کردن طاقهای صاف و بر بنیاد الوارهای عظیم از همه جا بهتر در تخت جمشید به چشم میخورد. چنانکه میدانیم کاخهای شاهنشاهان هخامنشی در این مکان باستانی همانند دیگر بناهای این عصر که در بازار گاد و شوش و اکباتان و دیگر جایها^۹ برپاگشته است بهترین و باشکوه ترین نمونه ساختمانهای ستوندار و با پوشش چوبی است. در مورد کاخهای ستوندار تخت جمشید و پاسارگاد نکته ای که قابل توجه است آنکه تناسب ستونهای بکاررفته در این بناها مخصوص معماری ایرانی است. این ستونها که کشیده ترین نوع ستون در معماری دنیای باستان است غالباً دارای ارتفاعی معادل چهارده برابر قطر متوسط ستون است در حالیکه در دیگر نقاط جهان باستان بلندی ستونها هرگز به بیش از هشت برابر قطر آنها نمیرسد. همین تناسب پس از گذشت بیش از دو هزار سال در ساختن کاخهای صفویان در اصفهان رعایت شده است (شکل های ۳ و ۴ و ۵ و ۶).

۹ - کاخ اشکانی شکل بازسازی شده
۱۰ - ایوان مداین



تردید اظهار نظر کرد که سنت طاقسازی ایرانی که در دوره‌های اشکانی و ساسانی و اعصار اسلامی در ایران متداول بوده است دنباله مستقیم این هنر در معماری کهن‌تر ایران بشمار میرود. طاق‌های یافت‌شده در تخت جمشید بشیوهٔ چپبیل و یارگ‌چین که ویژهٔ طاق‌های مشرق‌زمین است و با طریقهٔ رومی کاملاً متفاوتست بنیاد گردیده و سندی غیر قابل انکاری برای اصالت این نوع طاق‌های ضربی در ایران بشمار میرود^{۱۱}. باید دانست که این نوع پوشش بصورت ساده‌تری در دوران مادها هم متداول بوده است و در کاوش‌های نوشی‌جان یکتو نوع از این نمونه طاق‌های هلالی یافت شده است که در آنها دایرهٔ هر قوس از طاق را بوسیله دو قطعه خشت که بصورت نیم‌دایره قالب‌گیری شده است بوجود آورده‌اند^{۱۲}. آنچه قابل توجه است آنکه نیم‌رخ این طاق‌ها با آنچه در کاوش‌های تخت جمشید شناخته شده است کاملاً با هم شباهت دارند و در هر دو مورد دارای طرحی شبیه‌دور کلیل میباشند.

میتوان از آنچه تا کنون گفته شد نتیجه گرفت که در ساختن بناهای ایرانی عصر ماد و هخامنشی هر دو نوع پوشش یعنی هم طاق‌های هلالی و هم طاق‌های مسطح متداول بوده است ولی از شیوهٔ نخستین در بناهای کم‌اهمیت‌تر و از طریقه دوم در بناهای معظم‌تر استفاده میشده است. زیاد بعید نیست که تصور شود اساساً جز در مورد کاخ‌های شاهنشاهان و پرستشگاه‌ها و شاید هم در این اعصار بویژه در نواحی مرکزی و جنوبی کشور دارای طاق‌های ضربی و گنبدی بوده است و با مصالح ارزان قیمت ساخته میشده است.



۱۱

تا کنون با توجه به وجود این کاخ‌های عظیم بیشتر تصور میکردند که معماری ایرانی در این عصر منحصر به ساختن آثاری بدین طریقه بوده است و بعلت در دست نبودن مدرک قاطعی حتی گروهی از اهل فن اساساً منکر شناخته‌بودن طاق‌های ضربی و گنبدی در ایران پیش از دوران اشکانیان بزعم گروهی و ساسانیان بر طبق نظریه دیگری بودند و در نتیجه با توسل به تقدم تاریخی طاق‌های ضربی در هنر رم باستانی اینگونه طاق‌سازی را در معماری ایرانی تقلیدی از معماری رم میدانستند. کاوش‌هایی که از چند سال پیش به این طرف در تخت جمشید بعمل می‌آید بطلان این نظریه را ثابت نموده است. بر اثر این کاوش‌ها بر بالای کوه رحمت که از جانب مشرق صفا تخت جمشید را محدود مینماید یک سلسله دیوارها و برج‌های دفاعی بدست آمده که بر روی آنها طاق‌های ضربی بکار برده‌اند و تعدادی از این طاق‌ها کاملاً سالم از دل خاک بدرآمده است. (شکل‌های ۷ و ۸) پیداشدن این طاق‌ها از نظر تاریخ معماری ایران دارای ارزش فوق‌العاده است زیرا از این پس میتوان بدون کوچکترین

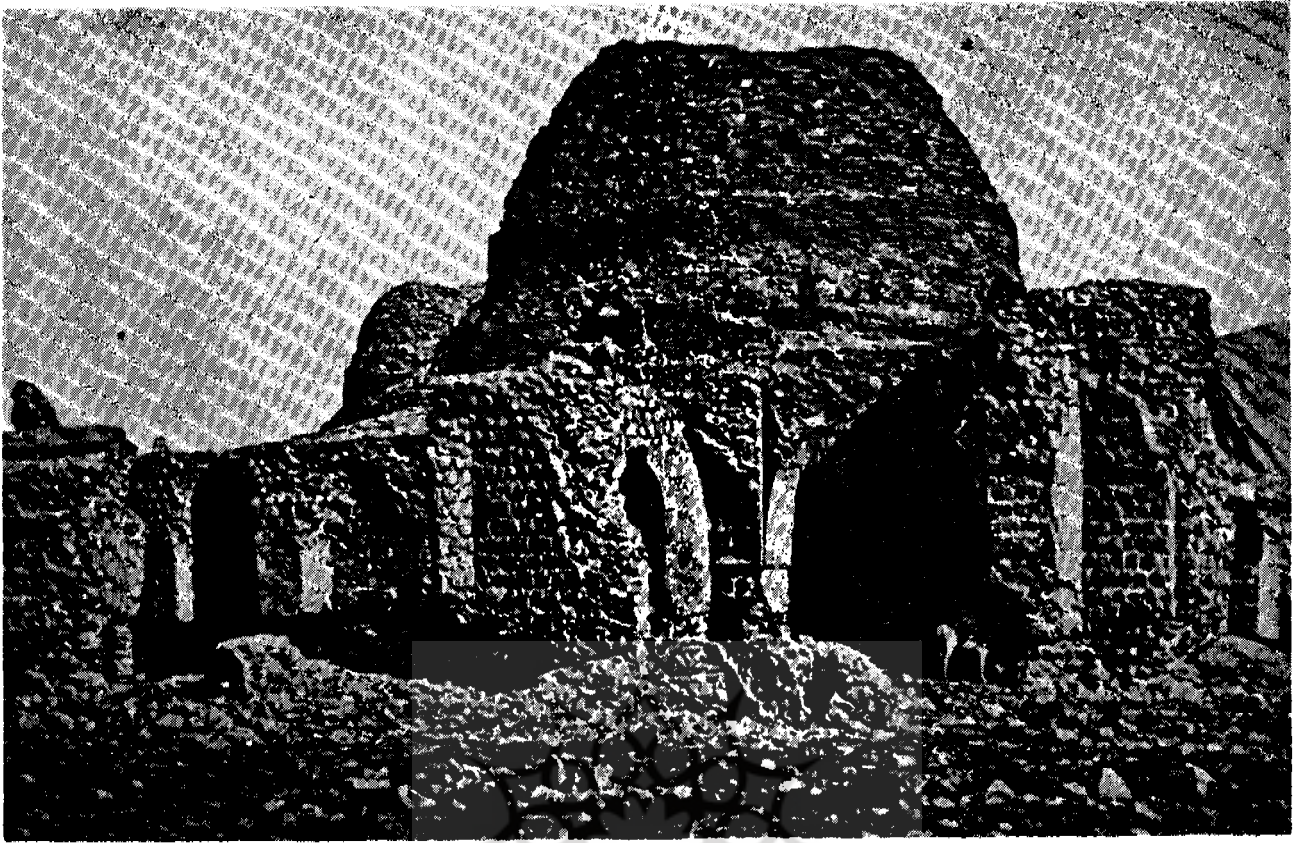
به‌خلاف عصر ماد و هخامنشی معماری رسمی ایرانی در دوران اشکانیان و ساسانیان از گنبد و ایوان‌های قوس‌دار استفاده نموده است. بطور کلی هر زمان در معماری رسمی ایران از تالارهای ستون‌دار و طاق‌های مسطح استفاده شده است در همان

۸ - در ماه‌های اخیر هیأت اعزامی اداره کل باستان‌شناسی به ریاست آقای سرفراز در برآزجان موفق به کشف ساختمان‌های ستون‌داری از عصر هخامنشیان شده است که با آثار باسارگاد قابل مقایسه است.

۹ - البته این گروه معماری عیلامی را در تحقیقات خود به‌شمار نمی‌آورند. ضمناً باید دانست که یکتو نوع طاق‌سازی خاص غرب نیز وجود دارد که حسابش از حساب طاق‌های ضربی شیوهٔ ایرانی جداست و هنوز هم هرگاه اینگونه طاق بوسیله معمار ایرانی ساخته شود آن را رومی مینامند و در این زمینه نام رومی هم رم باستان را شامل میگردد، هم امپراطوری بیزانس را.

۱۰ - اکبر تجویدی، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران شماره دوم تهران، بهار ۱۳۴۸، ص ۷ - ۱۲.

11 - Stronach (D.). — Iran V. VII London 1969, Excavations at Tepe Nush-i-Jan 1967.

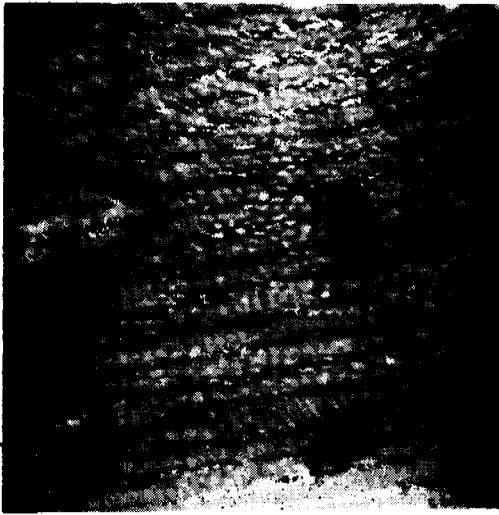


۱۲ - کاخ سروستان

شده است^{۱۲}. (شکل ۹). درحقیقت این کاخ باطاق کشیده و بلند ایوان وطاق نماها و ستونهای پیوسته بدیوار آن که جنبه تزئینی صرف دارد اساس معماری اشکانی را که در دوران ساسانیان نیز بهمان شیوه ادامه می یابد تشکیل میدهد. موضوع پیوستگی میان شیوه پارتی و ساسانی در بنیاد ساختمانها چنانست که هنوز پاره ای از صاحب نظران در انتساب کاخ مداین در تیسفون به یکی از دو دوره اشکانی و ساسانی اظهار نظر قطعی را جائز نمیدانند (شکل ۱۰). علت این امر صرف نظر از جهات تاریخی و اینکه در دوران اشکانیان شهر تیسفون مکانی آباد و دارای ابنیه معظم بوده آنست که معماری ساسانی چنان عوامل معماری اشکانی را بی کم و کاست ادامه داد که گوئی با تغییر سلسله شاهان هیچ دگرگونی در طریقه ساختن بناها پیش نیامده است از سوی دیگر نمونه بسیار قابل توجه معماری ساسانی یعنی کاخ فیروز آباد که بوسیله اردشیر بنیانگذار سلسله بنا گردید در زمانی ساخته شد که وی هنوز بعنوان یک حکمران محلی که از طرف پادشاه اشکانی برگزیده شده بود در بخشی از فارس فرمانروائی میکرد. در همان زمان بود که وی به ساختن کاخ فیروز آباد پرداخت و استحکامات اطراف آنرا برای مقابله با حکومت مرکزی بنیاد

دوره بناهای کم اهمیت تر دارای گنبد بوده اند و هرگاه بناهای گنبد دار معماری رسمی را تشکیل میداده است بموازات آن بناهایی با بام افقی در سطحی ساده تر ساخته میشده است و هیچگاه رسمیت یافتن یکی از دو طریقه فوق شیوه دیگر را بکلی در برتبه فراموشی ننهاده است. (البته در دورانیهای اسلامی در ایران به مواردی برخورد میکنیم که معماری رسمی کشور در کاخهای شاهی و بناهای ملی و مذهبی بدون ترجیح یکی از دو شیوه از هر دو طریقه بیکسان استفاده کرده اند. هنگامیکه کاخهای عالی قابو و چهل ستون بصورت تالارهای ستوندار بنیاد میگردد در همانحال مساجدی چون مسجد شاه و مسجد شیخ لطف الله بر اساس گنبد وطاق مدور ساخته میشود و در عمارتهای سلطنتی دیگری چون هشت بهشت و تالار اشرف نیز از گنبد استفاده میشد بی آنکه در این بناها از ایوانهای ستوندار صرف نظر شود و یا در عالی قابو و چهلستون بکار بردن طاق ضربی یکباره کنار گذاشته شود.)

کاخ اشکانی آشور نمونه خوبی برای شناخت معماری رسمی در دوران اشکانیان بدست میدهد. در این بنای باشکوه مهمترین قسمت عبارت از ایوان بزرگی است که روبه حیاط باز



۱۴

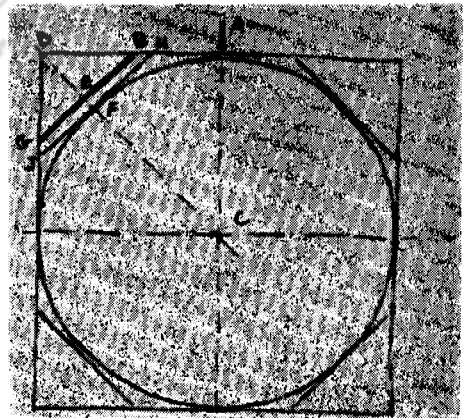
بیکبار درضا پی افکنده شده است (شکل ۱۲). این گنبدها بر روی فیله‌پوشهائی که در چهار گوشه تالار مربع شکل بر بالای دیوارها بکاررفته بناگشته است. بوسیله این فیله‌پوشها طرح مربع تالار در بالا به چندضلعی هشت گوشه‌ای تبدیل یافته و کار بنیاد گنبدها آسان ساخته است (شکل‌های ۱۳ و ۱۴). باید دانست که فرق عمده گنبدهای ساسانی بشیوه متداول در مغرب زمین در همان دوران آنست که در این سرزمینها بخلاف شیوه ساسانی معمولاً گنبد بر روی بناهائی که طرح مدور دارند بنیاد گردیده است و در مواردی که این گنبدها بر روی طرح چهار ضلعی ساخته میشود در آنصورت شکل داخلی بنا از بنیاد بصورت مدور درمی‌آید و در درون آن چهار شکنج تعبیه میگردد. از خارج این شکنجها در پشت زوایای راست گوشه پنهان میشده است^{۱۳}. کمی بعد معماران رومی طریقه ساختمان گنبد بر روی گوشوار را جایگزین این شیوه نمودند و در پاره‌ای موارد بطور مستقیم شیوه خاص ایرانی یعنی طریقه ساختن گنبد بر روی فیله‌پوشهای کنج را اتخاذ کردند.

یکی از انواع طاقسازیهای جالب عصر ساسانی طاقهائی است که بوسیله پوششهای گهواره‌ای بوجود می‌آید. این نوع پوشش مرکب است از یک سلسله طاس و توپزه که در طول یکدیگر قرار میگیرند. در این طریقه رانش طاق بجای آنکه بر دیوارهای جانبی فشار وارد سازد بر روی نقاط معینی از

نهاد. بدین ترتیب این کاخ باشکوه با آنکه بدست يك پادشاه ساسانی بناگشته است از نظر تاریخی در دوران حکومت اشکانیان بوجود آمده است. در اینجا نکته گفتنی آنست که تا آغاز قرن کنونی کاخ فیروزآباد يك اثر متعلق به دوران هخامنشیان محسوب میشود. دیولافوا با توجه به گیلوئی‌های بالای سردرهای این کاخ که عیناً از طرحهای بالای درگاههای تخت جمشید اقتباس شده است اظهار نظر مینمود که این ساختمان در دوران شاهنشاهی هخامنشیان بوسیله والی فارس بنیاد گردیده و او در ساختن کاخ مقرر حکمرانی خود شیوه متداول زمان خویش را رعایت نموده است ولی چون برای وی امکان آنکه کاخ خویش را چون نمونه‌های اصلی باسنگهای تراشدار بنا نماید وجود نداشته از اینرو وی در ساختمان خویش از سنگ لاشه و ملاط استفاده کرده است و بجای گیلوئی‌های سنگین همین طرحها را با گچ‌بری بوجود آورده است (شکل ۱۱). این مطلب از این نظر برای بررسی کنونی ما اهمیت دارد که نشان میدهد نه تنها معماری اشکانی و ساسانی هر دو از جهت متعلق به يك مکتب میباشد بلکه معرف آنست که این مکتب از بسیاری جهات دنباله معماری ایران عصر هخامنشیان بشمار میرود. البته امروزه دیگر کسی کاخ فیروزآباد را متعلق به عصر هخامنشیان نمیداند و با دلائل بسیاری این بنا اثر اردشیر بابکان مؤسس سلسله شاهنشاهی ساسانیان معرفی شده است.

گنبد و ایوان و طاق و نما و طاقهای گهواره‌ای اساس ساختمانی معماری عصر ساسانیان را تشکیل میدهد. طاق‌های ساسانی عموماً به شیوه رگ‌چین و بدون توسل به ایجاد طاق چوبی موقتی که در شیوه رومی از بکار بردن آن ناگزیرند ساخته شده است. در طاق عظیم و بی‌همتای تیسفون بر روی طبقات زیرین طاق که بهمین طریقه بنیاد گردیده قشرهای دیگری به شیوه پرتوی افزوده گشته است تا بدین ایوان رفیع استحکام بیشتری داده شود.

گنبدهای ساسانی نیز همیشه بدون توسل به الگوی چوبین



۱۳

12 - Ghirshman (R.). — L'Iran des origines à l'Islam, Paris 1951, P. 244.

13 - Reuther (O.). — dans A Survey of Persian Art, London and New York 1938 V. I PP. 502 - 503.

آن گاهگاه در مجلات فنی قلم فرسائی میشود گذشته از آنکه این شیوه در موارد متعددی در معماری عصر ساسانی از جمله در مورد قوسهای کوچک ایوان کسری و درطاقهای قلعه دختر بیشاپور (شکل های ۱۷ و ۱۸) و دیگر جایها بکار رفته است میتوان این نوع قوسها را در مقابر عصر اشکانی که بوسیله هیأت مشترک حفاری ایران و انگلیس به سرپرستی آقای استروناخ در سال ۱۳۴۶ یافت شد بوضوح مشاهده کرد.

طرح افقی معماری ساسانی بر بنیاد حیاطهای ایوان دار عصر اشکانی قرار دارد. در کاخ فیروزآباد و رودی دیوان عام ایوان مسقف بلندی است که پس از گذشتن از زیر آن وارد تالار تشریفات میشده اند ولی دیوان خاص که در پشت گنبدهای اصلی قرار دارد عبارتست از حیاط ایوان داری که تالارهای دیگری گرداگرد آن ساخته شده است. این طرح باختلاف کمی در سرستان هم بکار گرفته شده است.

در زمینه بناهای مذهبی عصر ساسانی تاکنون تحقیقات مفصلی انجام گرفته است. آندره گدار که پیش از دیگران در این باره تفصص نموده این بناها را به دو دسته مشخص تقسیم نموده است. طبق تقسیم بندی وی دسته اول از این بناها مخصوص نگهداری آتش بوده است که باید آنها را آتشکده و یا آبادانا (Ayadana) نامید. این بناها ویژه موبدان و نگهبانان آتش و دیگر کارگزاران آتشکده بوده است و به تعداد نسبتاً محدود بنا میگشته است (شکل ۱۹). دسته دوم که باید از آنها بعنوان آتشگاه یا محل پرستش آتش یاد نمود برای برگزاری مراسم نیایش در حضور جمعیت کثیر شرکت کنندگان بوده است.

۱۶ - طاق يك كوچه در شهرضا



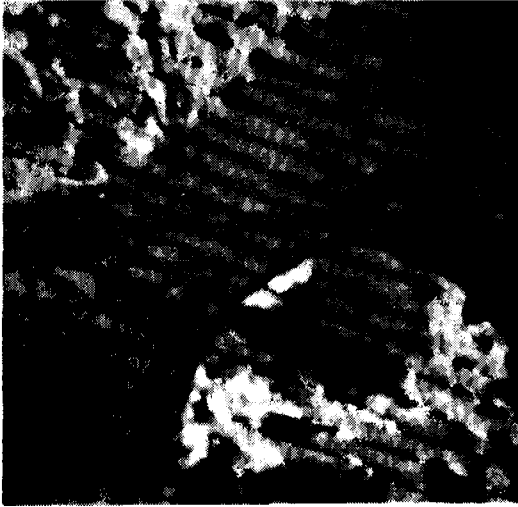
۱۵ - قسمتی از تویزه و پنجره های ایوان کرخه

قوسهای مستحکم تر تقسیم میگردد. این شیوه پوشش به معمار اجازه میدهد که در فاصله میان دو قوس پنجره تعبیه نماید و روشنائی طبیعی بنا را تأمین کند (شکل ۱۵). چنانکه میدانیم پیش از آنکه در کلیساهای مغرب زمین از این طریق استفاده شود بعلت آنکه نمیتوانستند در دیوارهای جانبی پنجره باز کنند ناچار بودند به نوری که از پیشانی بنا تأمین میشد اکتفا نمایند و بدین جهت قسمت بزرگی از بخشهای فوقانی کلیسا در تاریکی میماند و تنها پس از اتخاذ این شیوه بود که موفق شدند در کلیساهائی چون (St. Philibert) واقع در (Tournus) به اندازه دلخواه از نور طبیعی استفاده نمایند. این طریق طاقسازی در تمام دورانهای اسلامی ایران متداول بوده است و امروزه نیز چنانکه شکل شماره ۱۶ نشان میدهد این رویه در معماری معمولی ایران رواج دارد.

معماران عصر ساسانی از تیرها و قطعات دیگر چوبی خاصه بعنوان کلاف و کشنده و همچنین برای نرمش بخشیدن بیشتر به اجزای ساختمان در نقاط تکیه طاق بر جرزها استفاده مینمودند. همین روش نیز در ساختمان بناهای عصر اسلامی در ایران ادامه پیدا نمود و در بناهایی چون تاریخانه دامغان و مسجد جامع اصفهان بکار گرفتن این تمهید مشاهده میگردد.

از ویژه گیهای دیگر شیوه ساسانی در معماری ساختن قوسهای دوتیزه و قوسهای نعلی شکل و همچنین اشکال چند بخشی است که به احتمال زیاد الهام دهنده مقرنس کاریهاست که در اعصار اسلامی در معماری ایران و دیگر کشورهای مسلمان رواج تام یافت.

در مورد طاقهای دوتیزه یا چنانگی که مدتها مورد بحث متخصصین تاریخ هنر و باستانشناسی قرار داشت و هنوز نیز درباره



۱۸



۱۷

۱۷ - چشمه طاقهای کوچک
در ایوان مداین
۱۸ - طاق دوتیزه در قلعه دختر
بیشاپور. بر بالای طاق طرح
ابتدائی مقرنس کاری هویدا است

در آمده بود. هرگز شنیده نشده است در يك بنای مذهبی ایرانی پیکره‌ای بعنوان بت و شمن والهه مورد پرستش قرار گرفته باشد و حتی متصدیان نیایشگاهها برای آنکه توجه پرستندگان از خداوند بزرگ بسوی عوامل دیگر انحراف نیابد از هر گونه طبیعت‌نگاری در بناهای مذهبی خودداری مینمودند و بجای آن از نقش‌هایی چون پیچک و ختائی و عوامل تزئینی دیگر بهره‌جویی میکردند. چنین طرز اندیشه‌ای برای گروندگان به‌دین جدید نا آشنا نبود و محیط يك آتشکده باسانی میتواند برای پرستش خداوند يکتا اختصاص یابد. از اینرو بسیاری از آتشکده‌های عصر ساسانی در همان روزهای اول گسترش اسلام بصورت مسجد درآمد و گنبد چهارطاقی هسته اولیه مساجد را بنیاد نهاد چنانکه بسیاری از مساجد باشکوه کنونی ایران دنباله همان آثار باستانی بشمار میروند. در مورد چهارطاقی‌های مذکور تنها تغییری که بعمل آمد آن بود که یکی از دهانه‌های چهارگانه که با سمت قبله سازگار مینمود بوسیله دیواری مسدود گشت و در درون آن محرابی تعبیه شد و بدینوسیله طرح مساجد چهارطاقی تکمیل گردید. زنده‌ترین نمونه يك چهارطاقی ساسانی که به مسجد تبدیل شده است را میتوان در یزدخواست بوضوح مشاهده نمود (شکل ۲۱).

بموازات مساجد گنبددار در پاره‌ای از نقاط کشور چون دامغان و ری و دماوند و شوشتر و اصفهان و نائین مساجد دیگری شامل حیاط و رواقهای اطراف ساخته میشد که طرح آنها از مسجد حضرت رسول اکرم (ص) در مدینه اقتباس شده بود ولی از نظر ساختمانی شیوه‌های معماری زمان ساسانی را ادامه

این آتشگاهها دارای چهارطاقی عظیم گنبداری در وسط میباشند که مراسم اصلی در زیر گنبد برگزار میشده است و گروه پرستندگان میتوانند آن آتش فروزنده را مشاهده نمایند^{۱۴}. (شکل ۲۰). بعلت آنکه از همه مکانهای آتشگاه چهارطاقی آن محکم‌تر و اساسی‌تر ساخته میشده است تا روزگار ما هنوز تعداد بسیاری از این گنبدهای عظیم بجای مانده است و میتوان در بسیاری از نقاط کشور چون کازرون و فیروزآباد و جرّه و قصر شیرین و نیاسر نمونه‌های نسبتاً سالم آنرا باز شناخت. عموماً متعلقات این گنبدها که ساده‌تر بنیاد میشده‌اند و گرداگرد حیاط قرار داشته‌اند از بین رفته است.

پس از پایان دوران ساسانیان و گرویدن مردم ایران به‌دین مبین اسلام با آنکه در نحوه عقاید ایرانیان تغییرات نسبتاً مهمی حاصل شد با اینهمه فن معماری طریقه‌های خاص خود را از دست نهاد. در اینجا بحث درباره اینکه مردمان کشور ما از اولین کسانی بودند که بجای پرستش ارباب انواع خدای یگانه‌ها می‌پرستیدند و جهان‌بینی آنان برای پذیرش آئین جدید از دیگران مساعدتر بود ما را از هدف اصلی خود شاید کمی دور سازد ولی بی‌مناسبت نخواهد بود اگر یادآوری شود که توجه به مبداء یگانه‌ای که آفریدگار جهانست از همان آغاز به معماری سنتی و مذهبی ایران مهر وحدت زده بود و همین نحوه اندیشه در ساختن بناهایی که توجه را بسوی عالم بالا معطوف دارد اثر میگذاشت. احتراز ایرانیان از ساختن پیکره‌هایی بعنوان مظهر رب‌النوع که در ادیان دیگر رواج فوق‌العاده دارد توجه معماران و آرایشگران بناهای مذهبی را بطرف شکلهای انتزاعی و مجرد و نقوش هندسی سوق داده بود بطوریکه این شیوه از هنر در دوران شاهنشاهی ساسانیان مدارج کمال خود را پیموده بود و بصورت هنری پخته و جاافتاده

14 - Godard (A.). — Athar-e-Iran Tome III F. I 1938.

برج نرسی در پایکولی (که اشتباهاً بنام بتخانه معرفی شده است) نمونه‌های کهن این بناها بشمار می‌روند. از میان بناهایی که بنام شخصیت‌های بزرگ در ایران ساخته شده است مقبره امیر اسمعیل سامانی در بخارا از نظر معماری واجد اهمیت خاص است. زیرا این بنا از همه لحاظ بشیوه چهارطاقی‌های کهن ایران زمان ساسانی ساخته شده است و نشان می‌دهد چگونه شیوه معماری آتشکده‌ها در بناهای اسلامی دنبال شده است.

پاره‌ای از بناهای دیگر ایران اسلامی چون بخش کهن مسجد جامع نیریز بخوبی نشان‌دهنده تداوم معماری ساسانی در دورانهای بعد است (شکل ۲۲). قسمت کهن این مسجد عبارت از یک ایوان بزرگ است که از هر نظر معماری ایوان کاخ مداین را بخاطر می‌آورد. در اصل مسجد عبارت از همین یک ایوان بوده است و متعلقات دیگر آن همگی در دورانهای بعد بدان افزوده شده است. ایوان مزبور که باطاق گهواره‌ای پوشیده شده است در بالا کمی تیزتر است و بیننده را بلافاصله بیاد طاقهای شکسته بیشاپور می‌اندازد. در اینجا ایوان که هسته اولیه کاخهای ساسانی را تشکیل میداده است و برای بار یافتن به حضور پادشاه بنیاد میگشته تبدیل به جایگاهی شده است که از آنجا گروه مؤمنان به پیشگاه باری تعالی دست نیاز دراز نمایند. هرچه در معماری ایران عصر اسلامی بیشتر بررسی نمائیم

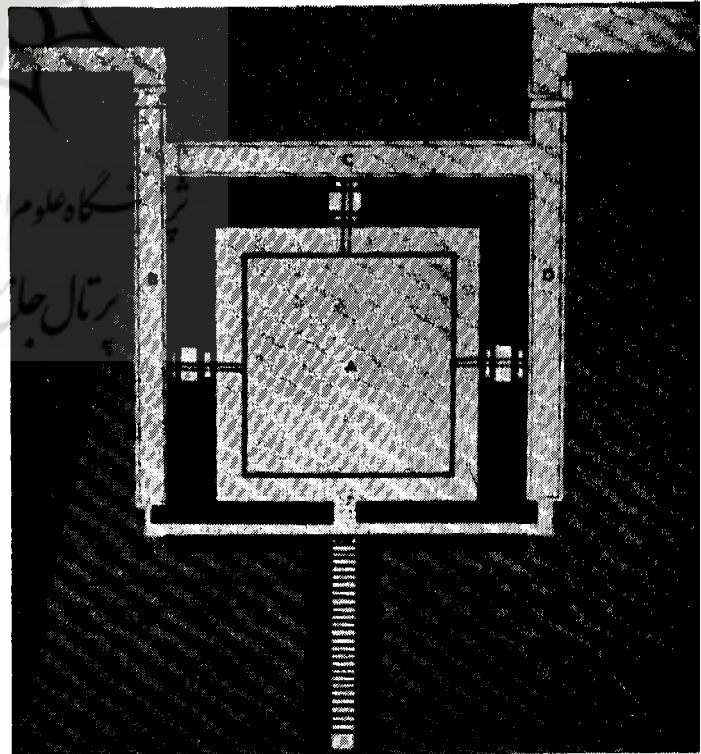
میداد که از این میان تاریخانه دامغان از دیگر نمونه‌ها سالم‌تر مانده است. در این مسجد میتوان باسانی شیوه طاقسازی معماری ساسانی را در طرح کشیده قوسها و بکار بردن طریقه لایه‌چین رادر آجرها و خشتها تشخیص داد. اندکی بعد مسجد چهار ایوانی گنبددار که طرح خود را از کاخهای ساسانی الهام میگرفت در همه جای ایران متداول گردید. در همین روزگار بود که مسجدهای شامل یک چهارطاقی تنها نیز به مساجد بزرگ چهار ایوانی تبدیل شدند. بدین طریق که در جلو گنبد مقصوره ایوان بزرگی ساخته شد و حیاطی در برابر آن شامل سه ایوان دیگر بر محورهای اصلی بوجود آمد. بدین طریق معماری دینی ایران همه عوامل معماری سنتی را بکار گرفت.

یکی از انواع بناهایی که در ایران اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته است ساختن مقابر و برجها و بناهای یادبود بنام شخصیت‌های بزرگ میباشد. گنبد قابوس - برجهای رسگت و لاجیم - برج طغرل و برجهای مراغه و صدها نمونه دیگر از این قبیل را میتوان در عداد این دسته یاد نمود. در این باره با آنکه از برجهای یادمان پالمیر سخن بمیان آمده است و خواسته‌اند این آثار را باهم مقایسه نمایند با اینهمه نمیتوان از نمونه‌های کهن‌تر ایرانی در این زمینه صرف نظر کرد. از دوران هخامنشیان کعبه زرتشت در نقش رستم و از دوران ساسانیان

۴۰ - نیاسر - چهارطاقی آتشگاه



۱۹ - مقطع افقی آتشکده در بیشاپور





۴۱ - چهارطاقی یزدخواست که تبدیل به مسجد شده است

در ایجاد ساختمانهای مورد نظر خود هر دو طریقه یعنی شیوه تالارهای ستوندار و بناهای شامل گنبد و طاقهای گهواره‌ای ایرانی را بکار بستند. در یادداشت‌هایی که بوسیله تاریخ‌نویسان از کاخ تیمور در شهر کاشی بجای مانده است به نام معماران و هنرمندان ایرانی بیشماری که بوسیله تیمور به ترکستان برده شده بودند بر میخوریم و در توصیفاتی که از کاخ وی بعمل آمده است همه خصوصیات معماری ایرانی را بازمی‌یابیم.

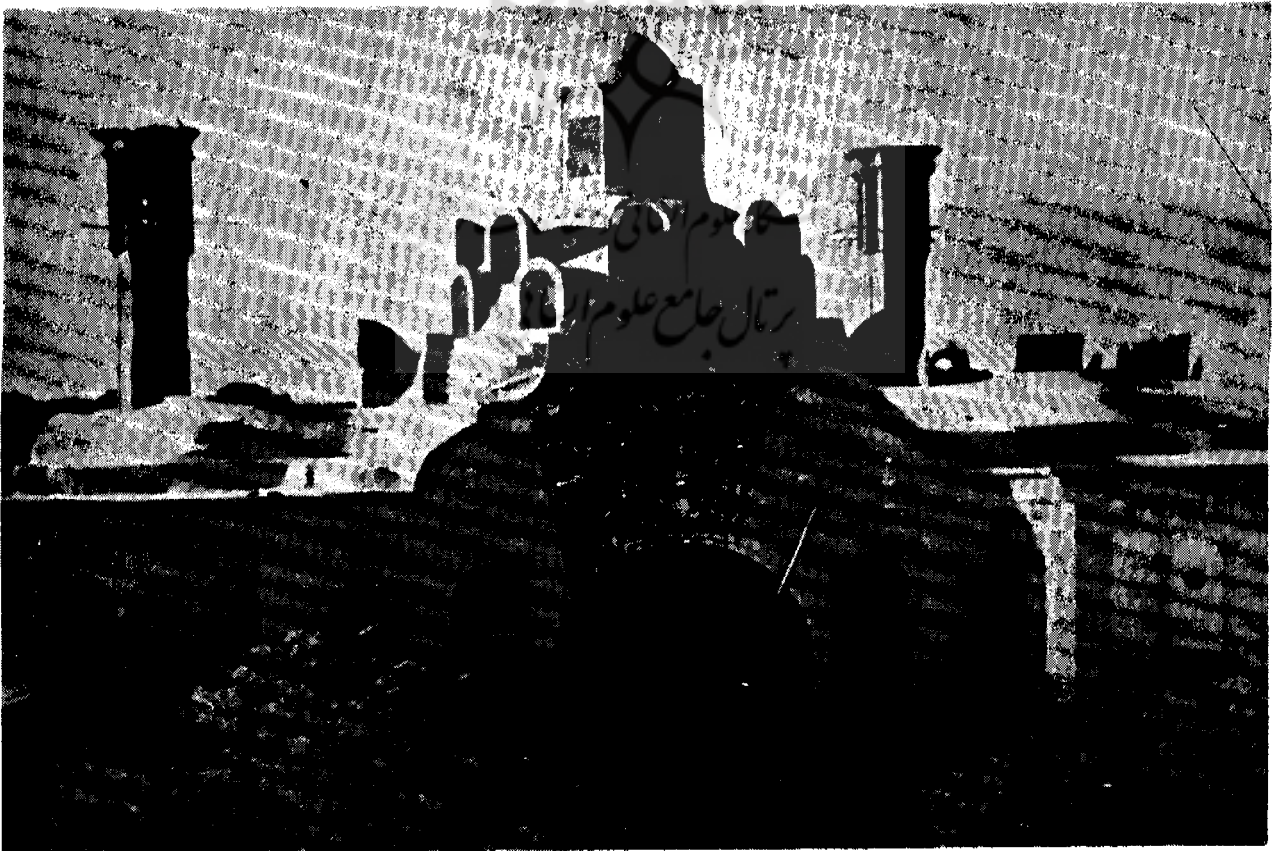
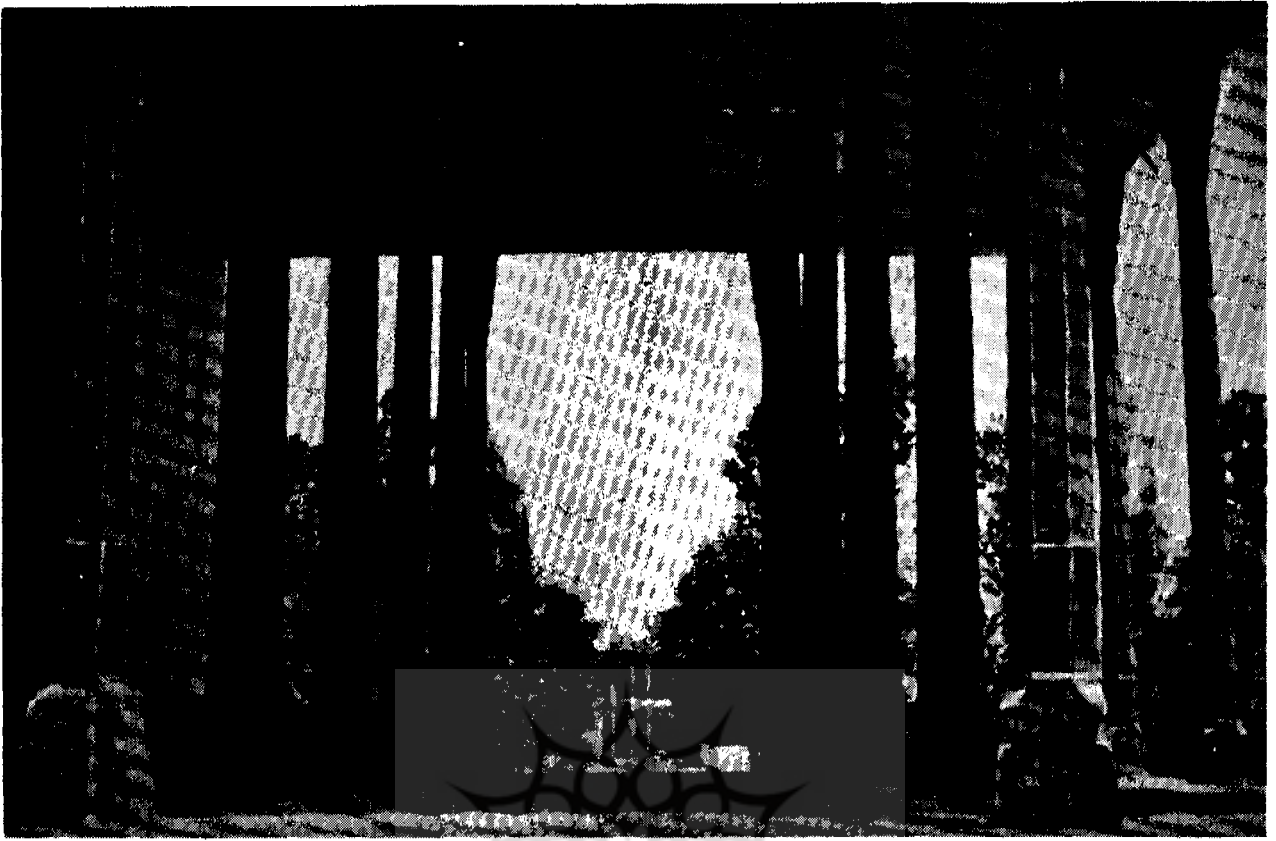
هنگامیکه تاج و تخت سلطنتی ایران به دودمان صفویان رسید معماری ایرانی عصر اسلامی مراحل پختگی و تکامل خود را پشت سر گذاشته بود و خاصه در زمینه تزئینات ساختمانی چون معرق و گچ‌بری و کاشی هفت‌رنگ و منبت و مشبک معماری ایرانی به عالیترین مدارج رسیده بود. در این دوران بهمت سلاطین بلند همت صفوی در سراسر شهرها و روستاهای کشور مساجد و مدارس و کاروانسراها و آب‌انبارها و دیگر مراکز عام‌المنفعه ساخته شد که هنوز نمونه‌های فراوانی از آنها بجای مانده است. از همین دوره در شهرهایی چون قزوین و اصفهان

۴۲



به عواملی که در آن از معماری ساسانی اقتباس بعمل آمده است واقف‌تر خواهیم شد و یکایک عوامل معماری سنتی را در بناهای این عصر بوضوح بازمی‌یابیم. این عوامل بعلاوه گسترش دیانت اسلام شیوه‌های معماری باستانی ایران را در بخش بسیار بزرگی از جهان رائج ساخت و همراه این طریقه‌ها نامهای ایرانی بخشهای مختلف بنا در جهان اسلامی پذیرفته شد چنانکه تاروزگار ما این اصطلاحات هنوز در کشورهای بسیار متداول است.

نباید از نظر دور داشت که بموازات بناهای گنبددار و بناهایی بایوانهای هلالی شکل شیوه کاخهای ستوندار بشکل آپادانا باطاقهای مسطح نیز در تمام دورانهای اسلامی در معماری ایران تداوم داشته است چنانکه میدانیم در قرون اولیه هجری شهر قزوین دارای مسجدی بوده است که بر بالای ستونهای تالار آن سرستونهایی مشابه آنچه در تخت جمشید بکار رفته است و پیکره دو گاو پشت بهم داده را نمایش میداده بکار برده بودند چنانکه در مسجد جامع استخر نزدیک تخت جمشید نیز مسجدی با همین خصوصیات برپا شده بود. همچنین مسجد جامع نیشابور در آغاز بصورت تالار ستوندار بوده است و در دورانهای بعد مسجد ایواندار جای آنرا گرفته است. از سوی دیگر چنانکه میدانیم کاخهای غزنویان از همین شیوه معماری بهره‌گیری نمودند و پس از آنان سلجوقیان و مغولان و سپس تیموریان





۴۵

۴۳ - نالارستوندار کاخ چهلستون یادآور معماری کاخهای هخامنشیان است
 ۴۴ و ۴۵ - نمونه معماری سنتی ایران در قرون اخیر
 دیوراد

بنابر آنچه گفته شد طرح مدرسه چهارایوانی که مسجدهای چهارایوانی ایرانی دنباله مستقیم آنست بهیچوجه ارتباطی بامسأله مدارس چهار دستگانه ندارد بلکه مدارس اخیر این طرح حاضر و آماده را برای منظورهای مذهبی خویش مناسب یافته و از آن بهره‌جوئی نموده‌اند.

هنوز هم طرح‌های معماری باستانی ایرانی در ساختن بسیاری از بناهای ملی و مذهبی و همگانی چهره ایران و چه در خارج از کشور ما مورد اقتباس و سرمشق است و این هنر پس از گذشت دو هزار و پانصد سال اصالت خود را با وجود پیشرفت سریع معماری نوین که بر اساس فنون تازه بنیاد شده حفظ کرده است و هنوز قادر است معماری جدید را الهام بخش باشد^{۱۷} (شکل‌های ۲۴ و ۲۵).

15 - Idem, L'Art de l'Iran Paris 1962, PP. 353-355
 16 - Ibid.

۱۷ - سید محمدتقی مصطفوی، نگاهی به، ص ۹۴ - ۱۰۳.

کاخهای باشکوهی بجای مانده است که در زمره بهترین نمونه‌های معماری ایرانی بشمار میرود. ایوانهای کاخهایی چون عالی‌قاپو و چهلستون چنانکه در پیش بدان اشاره شد از هر جهت یادآور ایوانها و تالارهای ستوندار تخت جمشید و پاسارگاد میباشد و نشان میدهد که معماری ایرانی پس از گذشت بیش از دو هزار سال روحیه خاص خود را از هر جهت حفظ کرده است (شکل ۲۳). در زمینه تزئینات ساختمانی نیز همین تداوم در معماری ایرانی مشهود است. میدانیم که کاخهای شوش و تخت جمشید به کاشیهای الوان مزین بوده است. در دوران اشکانیان و ساسانیان گچ‌بری و گاه نقاشی دیواری جای کاشیهای رنگارنگ را گرفت. در اعصار اسلامی تمامی این سنت‌ها به موازات هم در معماری ایران ادامه می‌یابد. در قرون اولیه هجری فن گچ‌بری بهمان شیوه‌ای که در ایران عصر ساسانی رواج داشت در بیشتر بناهای رسمی بکار میرفت و سپس بر آن تزئینات دیگر افزوده شد و اندکی بعد آرایش بناها بوسیله کاشیها و معرق‌های رنگارنگ سنت معماری عصر هخامنشیان را تجدید نمود بطوریکه از حدود هفتصد سال پیش باینطرف کمتر بنای مهمی را در ایران میتوان یافت که با کاشی مزین نشده باشد. اینچنین سنت‌های معماری ایرانی پس از گذشت هزاران سال اصالت خود را حفظ نمود.

پیش از آنکه به این گفتار پایان دهیم لازمست درباره اصالت مسجد چهار ایوانی که در سطور پیشین چندبار بدان اشاره نموده‌ایم بحث کوتاهی بعمل آید و به پاره‌ای ایرادات که در این زمینه شده است پاسخ گفته شود. موضوع آنست که بعزت استفاده از مدارس چهارایوانی که در هر يك از ایوانهای آن یکی از فرقه‌های چهارگانه مذهب تسنن تدریس میشده است برای عده‌ای این توهم را پیش آورده است که مسجد چهار ایوانی ایرانی طرح خود را از چنین مدرسی که در عراق و مصر و دیگر کشورهای اسلامی بنیاد شده اقتباس نموده است. در این باره بموجب تحقیقاتی که آندره گدار بعمل آورده است اولین مدرسه چهار ایوانی شناخته شده همانست که نظام‌الملک وزیر ایرانی آلب ارسلان و ملک‌شاه در خرگرد خراسان در حدود سالهای ۴۸۰ هجری بنا نمود^{۱۵}. در این مدرسه بر هر يك از محوره‌های اصلی حیاط دو ایوان روبروی هم قرار دارد و فضاها بین ایوانها بوسیله اطاقهای دیگر اشغال شده است. هنگامیکه در کشورهای دیگر موضوع احتیاج به مدرسی که دارای چهار دستگانه عمارت باشد مطرح گردید این طرح ایرانی مورد پسند قرار گرفت و از این تقلید بعمل آمد. مدارس چهار دستگانه شناخته شده چون مستضریه بغداد و باصالحیه قاهره که معمولاً در این باره بدانها استناد میشود در سالهایی بسیار پس از مدرسه خرگرد یعنی قریب دو قرن دیرتر بنا شده و مدرسی چون ناصریه در حدود دو قرن و نیم پس از مدرسه خرگرد ساخته شده است^{۱۶}.